

پدرام کاویان، پژوهشگر حوزه جمعیت در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# تعداد مردان مجرد دهه شصتی نیم میلیون بیشتر از زنان است



زینب مزرقی خبرنگار گروه نقد روز

همین چند روز گذشته بود که آماری از دختران مجرد بالای ۳۰ سال در میان خیرها، حواشی قابل توجهی را به دنبال داشت. یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعلام کرد آمار دختران مجرد بالای ۳۰ سال ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر است. شاید نتوان این را به‌طور قطع گفت، اما بالا رفتن سن ازدواج در میان دهه شصتی‌ها به خرده‌فرهنگ‌های نانوشته‌ای اما دیده‌شده در جامعه ما آتقدرها بی‌ارتباط نیست. معمولاً در دوره‌ای که سن ازدواج دهه شصتی‌ها بود، ازدواج با همسالان خود یا ازدواج با اختلاف سنی نهایتاً تا دو سال، آتقدرها مطلوب نبود. آنچه باب شد

و مطلوب دهه شصتی‌ها بود؛ حداقل اختلاف سنی پنج‌ساله بود. البته این تمام آسیب و دلیل کلان عروس و داماد نشدن دهه شصتی‌ها در سنین پایین نیست. جامعه ایرانی به یکباره با تحولات مختلفی روبه‌رو شد. مثلاً دیگر پدرها باید اجازه می‌دادند که دختران‌شان در دیگر شهرها به تحصیلات‌شان ادامه دهند و ادامه تحصیل در شهر دیگر، نه‌تنها ضد ارزش به حساب نمی‌آمد که یک ارزش حساب می‌شد. رفته‌رفته کلیشه دختر شاغل، مستقل و تحصیل‌کرده در جامعه باب شد و این‌گونه تلقی می‌شد که برای ازدواج تا چند سال دیگر هم زمان وجود دارد. حالا در اوج جوانی، آنچه مهم است، ادامه تحصیل یا مثلاً پیدا کردن یک جایگاه اجتماعی مطلوب و قابل تحسین است. در صورتی‌که زمان گذشت و پسران و دختران دهه شصتی با گذشت

زمان، میل‌شان هم نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده کم شد. اما معضل فعلی ازدواج به‌طور کلی در جوانان بالای ۳۰ سال چیست و چرا دهه شصتی‌ها دیگر کمتر میل به ازدواج دارند؟ رسول قبادی دانش‌آموخته جمعیت‌شناسی معتقد است، می‌توان گفت برای برخی از زنان در گروه‌های سنی خاصی (زنان ۳۰ سال و بیشتر با تحصیلات عالی) جمعیت متناسب مرد برای ازدواج وجود ندارد. براساس داده‌هایی که این پژوهشگر در اختیار «فرهیختگان» قرار داده و داده‌های طرح نیروی کار سال ۱۴۰۱، ۱،۴۹ میلیون مرد دهه شصتی و ۹۱۳ هزار زن دهه شصتی مجرد (هرگز ازدواج‌نکرده) بوده‌اند. به این معنا که جمعیت مردان مجرد متولد دهه ۶۰ از زنان متولد دهه ۶۰ بیشتر است.

در سال ۱۳۹۹ میانگین سن در اولین ازدواج پسران و دختران ۲۷،۶ و ۲۳،۴ سال بوده است. با این حال نتایج پژوهش‌های ملی نشان می‌دهد سن موردنظر برای ازدواج نزد مردم، پایین‌تر از آن چیزی است که در عمل رخ می‌دهد. در سال ۱۳۸۲ میانگین سن مناسب ازدواج برای پسران و دختران، به ترتیب ۲۴،۶ و ۲۰،۴ سال و در سال ۱۳۹۸ و ۲۴،۸ و ۲۱،۸ برای پسران و دختران بوده است.

### آغاز نوگرایی همراه با جوانی دهه شصتی‌ها

پدرام کاویان، پژوهشگر حوزه جمعیت معتقد است دهه شصتی‌ها مخاطب یک دسته تغییرات اجتماعی بودند که در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ درحال وقوع بود. کاویان می‌گوید: «در سال‌هایی که دهه شصتی‌ها وارد سن ازدواج شدند، این تغییرات خوانا‌ن‌خواه به‌علنی تبدیل شد که وضعیت فعلی دهه شصتی‌ها، معلول آن علت‌ها شد. مثلاً جامعه به‌سرعت در معرض نوگرایی بود. وقتی دهه شصتی‌ها جوان می‌شدند، تقریباً سال‌هایی بود که کم‌کم مدرنیسم گردش روی جامعه ایرانی می‌نشست. شبیه به برقی که شروع به باریدن می‌کند. شما تا یک ساعت اول، هنوز هیچ چیز روی زمین نمی‌بینید. اما وقتی شروع به سفید کردن سطوح زمین می‌کنند، می‌گوییم برف نشست. آن حالتی که دهه شصتی‌ها تجربه می‌کردند شبیه همین است. دهه شصتی‌ها داشتند مدرنیسم را تجربه می‌کردند ولی متعلق به جامعه‌ای بودند مربوط به پیشامدرنیسم. یعنی شدتی از مدرنیسم وارد زندگی جامعه ایرانی می‌شد که آن جامعه اصلاً برای آن آمادگی نداشت. به‌سرعت رسانه ملی از تک کانال به سه کانال تغییر کرد. مفاهیم و مضامین جامعه همه به سمت حرکت به سوی این نوگرایی می‌رفت.»

### جوانی دهه شصتی‌ها با بی‌ثباتی همراه بود

کاویان می‌گوید که جامعه در آن زمان برای اولین بار، به سوی عدم‌تعین‌ها و عدم‌ثبات‌ها درحال حرکت کرد. او ادامه می‌دهد: «می‌گویند پدر و مادری که دهه ۳۰ تا ۵۰ ازدواج می‌کردند، به‌آنها سخت نمی‌گیرند. دختر و پسر به‌راحتی در یک اتاق خالی خانه، زندگی‌شان را آغاز می‌کردند. آسان می‌گرفتند. همه این موارد را بسیار شنیدم. اما

اتفاقی که در آستانه ازدواج دهه شصتی‌ها می‌افتاد این بود که جامعه عدم ثبات را تجربه می‌کردند. به این معنی که ثباتی در زندگی جامعه دهه قبل بود که زن می‌گفت این مرد با این شرایط جسمانی و مالی، تا شش سال دیگر خانه‌اش را تهیه کرده و ماشینش را هم خریده است. به یک قوام اقتصادی رسیده است. اما این جامعه، جامعه‌ای بود که با این گزاره‌ها برخورد می‌کرد که دیگر نمی‌توان مانند قبل خانه خرید، دیگر نمی‌توان مثل قبل ماشین و زمین خرید. اکنون دیگر با این امکانات نمی‌توان زندگی گذراند. این جامعه با عدم ثبات روبه‌رو شد و والدین دهه شصتی‌ها هم دیگر حاضر نمی‌شدند این ثبات را فرض بگیرند. بگویند مثلاً قطعاً پسر و دخترمان تا ۱۰ سال دیگر به همه چیز می‌رسد. می‌گفتند اول برو همه چیز را بیاور؛ اما اکنون دیگر زمانه عوض شده است.»

### اقتضائات زندگی رفته‌رفته تغییر کرد

این پژوهشگر حوزه جمعیت می‌گوید: «صدم این است که بگویم این فرهنگ دیگر، فرهنگ توکل نبود. فرهنگی نبود که به رزاق بودن خدا باور داشته باشد. اما وضعیت سیاسی اقتصادی و اجتماعی ما به طرفی حرکت می‌کرد که یک عدم ثبات را تجربه می‌کردیم و خواه ناخواه موجب شده بود افراد برای ازدواج در ابتدا همه امکانات را درخواست می‌کردند. بسیاری از خانم‌هایی که دچار تجرد قطعی شده‌اند و دهه شصتی هستند، این‌گونه نبود که خواستگار نداشته باشند، بلکه سرعت تحول اجتماعی به‌گونه‌ای بود که این خانم‌ها نمی‌توانستند به خواستگار مطلوب‌شان جواب مثبت دهند و این پدیده‌ای بود که از تهران و از شبکه‌های صداوسیما درحال پمپاژ شدن به کل جامعه بود. جامعه در معرض تغییرات بزرگ بود و تازه داشت با اینترنت و کامپیوتر آشنا می‌شد. فرآیند سریع تبدیل زندگی روستایی به زندگی شهری در جریان بود. همه به‌سرعت به جامعه ورود پیدا می‌کند.» کاویان معتقد است این تغییرات بود که اقتضائات این شکل از زیست هم کم‌کم درحال شکل‌گیری در جامعه بود. او می‌گوید: «شما فرض بگیرید در روستا، یکی از وظایف دختران این است که در دلداری به خانواده کمک کنند. این خانواده به شهر آمده بود. نه دامی بود و نه حیاطی که در صنایع تبدیلی خانه شریک باشد. اکنون چه کار باید می‌کرد؟ در آن جامعه تازه باب شده بود که دختر نباید ترک تحصیل کند، بلکه باید تحصیلاتش را ادامه بدهد. در آن دوره، پدر تازه با این ارزش مواجه شد که باید با تحصیل عالی دخترش در شهر دیگر موافقت و از او حمایت کند. هر خانواده‌ای این را نمی‌پذیرفت. اما سرعت تحولات بسیار شیرین بود و بسیار روی آن مانور داده می‌شد. این دست از امور، به عنوان موابه پیشرفت و توسعه از سوی مسئولان معرفی می‌شد؛ اینکه دختران ما به دانشگاه می‌روند.»

### سبکی ازد زندگی باب شد که

#### ازواج در آن کم شده بود

این پژوهشگر حوزه جمعیت می‌گوید درنهایت سبک جدیدی از زندگی باب شد که ازدواج در میان آن گم شده بود. کاویان ادامه می‌دهد: «خیلی از همین دهه شصتی‌ها می‌گفتند، من که می‌خواهم ازدواج کنم، حالا بگذار با مدرک لیسانس ازدواج کنم. آن موقع مدرک لیسانس در جامعه کم نبود. مردم می‌گفتند چه کاری است؟ حالا بعد از تحصیل ازدواج می‌کنم. یعنی مسیر دیگری از زندگی و پیشرفت فردی جلوی پای این افراد گذاشته شد. بسیاری این مسیر را رفتند. بسیاری هم مقاومت کردند و رفتند. افرادی که مقاومت کردند، در آن زمان بسیار دچار سرزنش می‌شدند. مثلاً می‌گفتند فلانی رفتی ازدواج کردی؟ چه کاری بود؟ درست را ادامه می‌دادی و دختر باکمالاتی می‌شدی. پس فردا ازدواج می‌کردی. دیر نمی‌شد. اما الان همانی که ازدواج کرده و چهار بچه دارد فردی که در آن سال‌ها ازدواج نکرده را سرزنش می‌کند که در آن سال‌ها ازدواج نکردی و دچار تجرد قطعی شدی. اینها با چنین وضعی روبه‌رو شده‌اند.»

### مسئولان با داده‌های تلگرامی

#### درباره تجرد صحبت می‌کنند

کاویان همچنین درباره ترغیب به ازدواج دهه شصتی‌ها و ناتوانی جمعیتی نیز معتقد است مضيقه ازدواج آتقدرها هم حاد نیست که در رسانه‌ها به آن می‌پردازند. این پژوهشگر حوزه جمعیت تصریح می‌کند: «برخی مسئولان با داده‌های تلگرامی می‌گویند یک الی دو میلیون مجرد در جامعه داریم. ما ادبیات و تعریفی برای تجرد قطعی داریم. تعریف

این است، خانمی که تا ۴۰ الی ۴۵ سالگی ازدواج نکند یا آقایی که تا ۴۵ الی ۵۰ سالگی ازدواج نکند، دچار تجرد قطعی شده است. آماری که در دست داریم این است که حدود دو الی سه درصد افراد به‌طور قطع ازدواج نمی‌کنند. در کل عددی در جامعه در رابطه با تجرد قطعی داریم اما مقیاس آن بزرگ نیست. عدد آتقدرها که در رسانه‌ها بزرگ جلوه داده می‌شود، نیست. اما به‌طور کلی افرادی را داریم که هرگز ازدواج نمی‌کنند. این افراد همیشه در جامعه بوده‌اند اما اکنون قرار است مقداری عدد بزرگ‌تر شود ولی نه به اندازه‌ای که نگران‌کننده باشد.»

### دهه شصتی‌ها اگر امروز هم ازدواج کنند

#### دیر است

کاویان در ادامه تصریح می‌کند: «دهه شصتی‌ها امروز هم اگر ازدواج کنند، دیر است. مساله این است که اکنون یک تجربه زیسته آمیخته با تجرد در آستانه ۳۰ تا ۴۰ سالگی رقم خورده است. اینها سبکی از زندگی را تجربه کرده‌اند که مشکلاتی دارد و برای زندگی متاهلی ممکن است شرایط خاصی ایجاد کند. پسران دهه شصتی دیگر از نظر مالی مشکل خاصی ندارند. مردان شاغلی هستند که جزء طبقات پادزآمد جامعه محسوب می‌شوند. اگر کارگر بودند، اکنون کارگران ماهری شده‌اند. اگر کاسب بودند، اکنون کاسب‌های باتجربه‌ای شده‌اند. اگر متخصص بودند، اکنون متخصصان نام‌آشنایی شده‌اند اما مجرد هستند. ما برای این دسته از افراد، نمی‌توانیم با سیاستی مانند وام ازدواج، ترغیب ایجاد کنیم. سیاست وام ازدواج برای تشویق ازدواج در سنین پایین است. جایی که مرد شرایط ایده‌آل جامعه حال حاضر را ندارد. دولت به او کمک می‌کند که شرایطش را به صورت نسبی فراهم کند. کار بسیار خوبی هم هست و باید همیشه در جامعه باشد. یا اینکه برای خانم‌هایی که زود ازدواج می‌کنند، مثلاً نگاه سیاستگذار این بود والدین حمایتگر ایرانی که همیشه از فرزند حمایت می‌کنند، این دختر را تازه از آب و گل گرفته‌اند. تازه خرج دانشگاهش تمام شده است. سیاستگذار می‌گوید من کمک می‌کنم تا جهیزیه این دختر را بخرید و وسطی برگردانید.»

### بسته‌های تشویقی مالی

#### برای دهه شصتی‌ها کاربرد ندارد

کاویان معتقد است سیاستگذاری در حوزه تسهیل ازدواج بسیار خوب است. او می‌گوید: «این اتفاق بسیار خوبی است. خدا لعنت کند کسانی که در شبکه بانکی، از وقوع این اتفاق جلوگیری می‌کنند و امروز ازدواج جوانان را به دو ماه دیگر، چهار ماه دیگر و یک سال دیگر به تعویق می‌اندازند. زندگی جوانان را به عدم تعین دچار می‌کنند. اما به‌رحال این سیاست، برای دهه شصتی‌ها کارکرد آتچنانی ندارد، به‌خصوص درباره مردان. شاید بگوییم که یک خانم دهه شصتی که در دهک‌های پایین جامعه است، نیاز برم به چنین شرایطی دارد که سیاستگذار حق او را هم درنظر گرفته است. اما قصدم این است بگویم که آیا این شرایط او را به ازدواج ترغیب می‌کند؟ خیر! این امر نیازمند یک امر اجتماعی-فرهنگی است. برخی از دهه شصتی‌ها دچار این خرده فرهنگ شده‌اند که دیگر از من گذشته است. در صورتی‌که اصلاً اینگونه نیست. یا دختر دهه شصتی می‌گوید که دیگر کسی سراغ من نمی‌آید.»

### باید آدم‌های باکیفیت وارد عرصه فرهنگ کنیم

کاویان معتقد است سیاستگذاری‌های فعلی برای ترغیب به ازدواج دهه شصتی‌ها هرچند خوب است اما برای دهه شصتی‌ها کاربرد ندارد. او می‌گوید: «باید برای مجردان این دهه راه‌حل‌های فرهنگی بدهیم. بخش زیادی از آن مرتبط به آگاهی است. اکنون جوان دهه شصتی هنوز نسبت به اینکه ازدواج به نفع یا ضرر او خواهد بود، در تردید است. به این دلیل که این جوان، بحیرحه زندانی‌های مهریه را دیده است. با حجم عظیمی از خبر در رسانه‌ها در رابطه با زندانی‌های مهریه روبه‌رو شده است. ترس و تردیدی در رابطه با ازدواج در او شکل گرفته است. اکنون هم فکر می‌کند از او گذشته و دیگر نیازی به ازدواج ندارد. اینها را باید حل کنیم. ما باید بسته‌های آگاهی‌بخش برای زندگی دهه شصتی‌ها داشته باشیم. باید به او بگویم قرار است با ازدواج یک همدم دائم کنارش بیاید و ثمره این همه تلاش را با همدیگر خاطره کنید. باید به این سمت برویم. این نوع کنش و مضامین فرهنگی تولید کردن، کار هر کسی نیست. باید افراد باکیفیت در این عرصه بیاوریم و از این آدم‌های کوتوله موجود عبور کنیم.»

## چطور در مساله ازدواج خرابکاری کردیم؟



عطیه همتی دبیرگروه نقد روز

از توصیه‌های من درآوردی مشاورهای غیرتخصصی ازدواج، توصیه به فاصله سنی‌های زیاد بود که اثر آن را می‌توان در فضای فرهنگی و اجتماعی کشور به‌خوبی مشاهده کرد. چند روز پیش امیرحسین بانکی‌پور، نماینده مجلس شورای اسلامی در خبری اعلام کرد تعداد مجردهای بالای ۳۰ سال در کشور عدد چهارمیلیون و ۶۰۰ هزار نفر است؛ عددی که برخی رسانه‌ها ترجیح داده‌اند تیتران را رو به دختران بزنند و نوشتند میزان مجردهای خانم بالای ۳۰ سال دومیلیون و ۱۰۰ هزار نفر است. این درحالی است که اگر تعداد دختران را از کل کم کنیم دومیلیون و ۵۰۰ هزار نفر از این تعداد را پسران مجرد تشکیل می‌دهند. اما آنچه در چندروز اخیر میان کارشناسان اجتماعی مطرح شده این است که به دلیل تبلیغات غلط و اشتباهات مشاوران ازدواج تمایل پسران به ازدواج با دخترانی با فاصله نزدیک‌تر به خود کمتر شده‌است. برای چرایی این موضوع باید نگاهی انداخت به سال‌ها اشتباهات تبلیغاتی، فرهنگی و آموزشی در حوزه ازدواج که باعث وجود چنین فرهنگ اشتباهی شده است. روی این گزاره پزشکی که بهتر است ازدواج و فرزندآوری در سنین پایین اتفاق بیفتد حرفی نیست، اما اراعب‌های ایجادشده درخصوص فرزندآوری سخت و حتی احتمال نایابوری در سن بالای ۳۵ سال که یکی از مهم‌ترین عوامل این ماجراست که باید تاکید ویژه‌ای بر آن داشت، چون باعث اختلالات زیادی در حوزه ازدواج شده است. بسیاری از افراد هنوز به این موضوع استناد می‌کنند که ممکن است درصورت ازدواج با دختران در آستانه ۳۰ سالگی یا بعد از این سن، دچار آسیب‌هایی درخصوص فرزندآوری یا به دنیا آوردن فرزند معلول و سندروم داون شوند. درحالی‌که مردان در هر سنی توانایی فرزندآوری دارند.

این درحالی است که متولدین دهه ۷۰ که در فرهنگ عمومی ما با سن پایین‌تر آنها نسبت به دهه شصتی‌ها شوخی می‌شد، دیگر ۳۲ سالگی را تمام کرده‌اند و وارد ۳۳ سالگی شده‌اند و هنوز تعداد زیادی مجرد دهه هفتادی وجود دارد. هشداری که روزی قرار بود افراد را تشویق به فرزندآوری در سنین پایین کند، ازدواج بخش زیادی از جامعه را با مشکل مواجه کرده‌است. این درحالی است که میانگین سن باروری اول در بسیاری از کشورهای غربی هنوز بالاتر از کشور ماست. آمارها از کشور آمریکا نشان می‌دهد اگرچه در چند سال گذشته، بیک سنی در زنان آمریکایی که فرزند به دنیا می‌آورند، از بازه سنی ۲۹-۲۵ به ۳۴-۳۰ رسیده است و باروری در میان زنان زیر ۴۰ سال، به نصف یا کمتر رسیده. اما این درحالی است که باروری در میان زنان ۳۵ سال و بزرگ‌تر، درحال افزایش است.

وقتی میانگین سن ازدواج در کشور ما غلط یا درست در سال‌های اخیر به شکل صعودی بالارفته است، هشدارهای بیش از اندازه برای بارداری‌های بالای ۳۵ سال و ترساندن خانواده‌ها نه‌تنها بی‌معنی است، بلکه منجر به اختلال ازدواج در برخی دختران و همچنین ایجاد فرهنگ غلط در این حوزه نیز خواهد شد. چنانچه تاکنون نیز شده است. به‌گونه‌ای که برخی مردان به بهانه اینکه هر زمانی می‌توانند ازدواج کنند و آن زمان برای آنکه به مشکل فرزندآوری هم برنخورند یا دخترهای با سن پایین‌تر ازدواج خواهند کرد و ازدواج‌شان را به بهانه بهتر شدن وضعیت اقتصادی یا قبول کردن دیرتر مسئولیت به تعویق می‌اندازند. از طرفی محدود کردن مساله غربالگری در کشور به‌جای آنکه این آزمایش تحت‌پوشش بیمه قرار بگیرد، اما و اگرهای ازدواج با افراد بالای ۳۰ سال را نیز سخت‌تر کرده است. برخی خیال می‌کنند که با محدودیت‌های ایجادشده توسط غربالگری یا بالا بودن هزینه‌های آن بارداری پرریسکی خواهد داشت، لذا از ازدواج با دختران بالای ۳۰ سال صرف‌نظر می‌کنند. همچنین عدم پوشش بیمه‌ای درست برای درمان‌های نایابوری و هزینه‌های بسیار بالای آن نیز دوباره در این موضوع خلل ایجاد کرده است. حالا باید بعد از گذر سال‌ها دید آیا توصیه مشاوران مشهور تلویزیونی که مدت‌ها ازدواج‌های دانشجویی را موفق نمی‌دانستند یا تاکید روی ازدواج با فاصله سنی زیاد داشته‌اند چطور توانسته است در حوزه ازدواج مشکل‌سازی کند و بار ذهنی زیادی را روی بخش بزرگی از افراد جامعه ما بگذارد و همچنین مساله ازدواج را پیچیده‌تر کند.

## فرهیختگان

# نقد روز



سه‌شنبه ۱۲ دی ۱۴۰۲



شماره ۴۰۴۷



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY